

روایتی از باورهای اساطیری درباره خوراکی‌ها در خراسان

قصه گندم، دختر زمین

حسن احمدی فرد



سال هاست که در رسانه‌ها قلم می‌زنم و به اعتبار همین تجربه اندک، شاید باید یاد گرفته باشم که گزارش نویسی قاعده‌قانونی دارد و یادداشت‌نویسی راه‌ورسمی، حالا ما به پشت گرمی همان تجربه‌ها، اجازه می‌خواهم به قدر مجال یک صفحه روزنامه، از آن قاعده‌و قانون‌ها و از آن راه‌ورسم‌ها چشم‌پوشم و فارغ از همه چهارچوب‌ها، درباره عناصری بنویسم که می‌توان از رهگذر آن، همه جهان‌بینی حاکم بر ایران‌زمین را به تماشا نشست؛ جهان‌بینی‌ای که فرهنگ کهن ما و زیست‌و زندگی‌مان را شکل داده است.

همه این سطرهای پیوسته و پراکنده، درباره گندم و نان است.

- گندم، دانه مقدس

«ای دادار جهان استومنند! ای اشون! کجاست جایی که زمین در آنجا بیشتر از همه جاش‌ادکام شود؟

اهوره‌مزدا پاسخ داد

ای سپیتمان زرتشت!

چنین جایی آنجاست که هر چه بیشتر گندم بکارند...

ای دادار جهان استومنند! ای اشون! کدام خوراک است که دین مزدا را سیر کند؟

اهوره‌مزدا پاسخ داد

ای سپیتمان زرتشت!

کشت گندم است، دیگر باره و دیگر باره» این‌ها بخشی از فرگردی است که در «وندیداد» اوستا آمده است؛ باره‌ای از مقدس‌ترین کتاب کهن ایرانیان. همین عبارت‌ها کافی است تا نشان بدهد که گندم تا چه اندازه در بین ما مردم محترم و مقدس است.

- سوغات عصر نوسنگی

کشف گندم به هزاره‌های کهن می‌رسد، به روزگار نوسنگی که بشر یاد گرفت به کمک ابزار، زمین را بکاود و کشاورزی کند. گندم به‌عنوان دانه‌ای خوراکی در سرزمین مبارک شفاف شد، در خاستگاه پیامبران، در فلسطین. با این همه، گندم نان، یعنی آن گونه از گندم که مناسب پخت نان بود،

آیین‌های کاشت و داشت و برداشت گندم

از پررمزورازترین آیین‌هاست. در خراسان زمین هنوز کم‌وبیش این آیین‌ها برقرار است. در تربت‌جام رقص، یا در گویش اهالی آن سامان، بازی آفر یکی از این آیین‌هاست؛ آیینی که با نمایش گندم کاری همراه است.

در بازی آیینی آفر، پیش از همه، سالار کشت‌مندان وارد مزرعه می‌شود و از بقیه دهقان‌ها دعوت می‌کند تا کار کشت را شروع کنند. کشاورزها با نام خدا کشت را شروع می‌کنند، بدرپاشی می‌کنند و روی بذرهای را می‌پوشانند که پرنندگان بذر را از بین نبرند. آن‌ها سپس زمین را برای آبیاری قطعه‌بندی می‌کنند و پس از آن

است که رویش گندم رخ می‌دهد و در پی آن، دروکاری و خرمن کردن.

بازی آفر، نیایش و ستایش به درگاه خداست که محصول زیادی به کشاورزها داده است، آن قدر که آن‌ها توانسته‌اند معاش خانواده و عائله خود را از زمین حاصل کنند. آفر، سپاس از زمین، آسمان، آب، باد و خاک هم هست. با این همه، آیین‌های اسطوره‌ای مرتبط با گندم محدود به آفر نیست. در هر جغرافیایی که گندم کشت می‌شود، حتماً انبوهی از آیین‌ها و باورها هم وجود دارد که ارتباط گندم با اساطیر کهن را یادآور می‌شود. آیین‌های برکت‌خواهی، باران‌خواهی، دفع شر و... جزئی از همان‌هاست.

است که رویش گندم رخ می‌دهد و در پی آن، دروکاری و خرمن کردن.

بازی آفر، نیایش و ستایش به درگاه خداست که محصول زیادی به کشاورزها داده است، آن قدر که آن‌ها توانسته‌اند معاش خانواده و عائله خود را از زمین حاصل کنند. آفر، سپاس از زمین، آسمان، آب، باد و خاک هم هست. با این همه، آیین‌های اسطوره‌ای مرتبط با گندم محدود به آفر نیست. در هر جغرافیایی که گندم کشت می‌شود، حتماً انبوهی از آیین‌ها و باورها هم وجود دارد که ارتباط گندم با اساطیر کهن را یادآور می‌شود. آیین‌های برکت‌خواهی، باران‌خواهی، دفع شر و... جزئی از همان‌هاست.

تصور کنید در طبیعت دچار حادثه شدید، به‌عنوان مثال حیوان درنده‌ای دنیاتان می‌کند یا گم شدید و مسیر بازگشت را پیدا نمی‌کنید. حال ببینید از نگاه سلول‌های بدنمان به این مشکل بنگریم. در این مواقع بدن با تغییراتی هورمونی، ما را برای دفاع طولانی مدت از خودمان آماده می‌کند.

لوزالمعدّه ما گلوکاگون ترشح می‌کند که سطح قند خون ما را بالا می‌برد و تولید انسولین را کاهش می‌دهد تا انرژی ما ذخیره شود. پرولاتکین که تولیدمثل را کند یا غیرفعال می‌کند، آزاد می‌شود. تولید پروسترون و تستوسترون متوقف می‌شود تا انرژی زیادی که لازمه تداوم توانایی تولیدمثل ماست، برای دفاع از خودمان به کار گرفته شود.

تولید هورمون‌های رشد متوقف می‌شود تا مصاد مغذی و انرژی که به‌طور عادی در سیستم‌های مختلف بدن مصرف می‌شود، در جهت جنگ یا گریز هدایت شود.

واژوپرسین که یکی از هورمون‌های ضدادرار است، شروع به ترشح می‌کند و مواد زائد مرده را دفع می‌کند تا بهتر بتوانیم در جنگل و دشت بدویم یا درگیر جنگ شویم.

اندروفین‌ها و دیگر مواد مخدر طبیعی مغز تولید می‌شوند تا درد را کاهش دهند.

کورتیزول، یکی از هورمون‌های استرس، تولید می‌شود تا به ترمیم بافت‌های آسیب‌دیده در جریان جراحت فیزیکی کمک کند.

این‌ها برخی از تغییرات هورمونی هستند که به‌واسطه واکنش بدنی ما به بحران‌ها ایجاد می‌شوند. به‌خاطر داشته باشیم که بدن ما سازوکارهای برقراری

توازن خودش را دارد و ما مواد بیوشیمیایی مرتبط با سلامت را به‌طور طبیعی تولید می‌کنیم.

«کاندیس پرت»، مؤلف کتاب «مولکول‌های عاطفه»، می‌نویسد: «هر یک از ما فهرست داروهای طبیعی خودمان را داریم تا ذهن و بدنمان را همان‌گونه که طراحی شده است، اداره کنیم.»

جریان داروهای درونی ما تحت تأثیر کارهایی که انجام می‌دهیم و همچنین رابطه ما با طبیعت و انسان‌ها و به‌طور کل کیفیت روابطمان هست.

بر همین اساس تغییرات مثبت هم موجب پارادایم بیوشیمیایی و هورمونی در ما می‌شود. یعنی بیابید این‌بار تصور کنیم در محیطی طبیعی برای نمونه در جنگلی کنار آتش نشسته‌ایم و گوشمان صدای



اکبر توحیدی مشاور گردشگری روستایی

ترازن خودش را دارد و ما مواد بیوشیمیایی مرتبط با سلامت را به‌طور طبیعی تولید می‌کنیم. «کاندیس پرت»، مؤلف کتاب «مولکول‌های عاطفه»، می‌نویسد: «هر یک از ما فهرست داروهای طبیعی خودمان را داریم تا ذهن و بدنمان را همان‌گونه که طراحی شده است، اداره کنیم.» جریان داروهای درونی ما تحت تأثیر کارهایی که انجام می‌دهیم و همچنین رابطه ما با طبیعت و انسان‌ها و به‌طور کل کیفیت روابطمان هست. بر همین اساس تغییرات مثبت هم موجب پارادایم بیوشیمیایی و هورمونی در ما می‌شود. یعنی بیابید این‌بار تصور کنیم در محیطی طبیعی برای نمونه در جنگلی کنار آتش نشسته‌ایم و گوشمان صدای

زمین، مادر زایش زندگی است و گندم، دختر او که از زمین می‌روید. زن و زمین در اسطوره‌ای ایرانی هم‌زاد هم هستند. از این منظر، نوزایی هرساله طبیعت نمی‌تواند بی‌حضور زن و گندم باشد. نوروز، جشن نوزایی و زندگی دوباره زمین است و درست از همین منظر، گندم در عمده آیین‌های نوروزی حضور دارد. ما گندم را به‌شکل سبزه عید بر سفره نوروز می‌گذاریم. نیز آیینی‌ترین خوراکی نوروز با جوانه گندم طبخ می‌شود.

در سرتاسر جغرافیای وسیع خراسان‌زمین، نوروز بی‌پخت سمنو نمی‌تواند برگزار شود و جالب آنکه پخت سمنو سنتی زنانه است. هرچا سمنو پخت می‌شود، حتماً زن‌ها به کار پخت مشغول‌اند یا بر آن



به باورهایی سر بزیند که درباره پخت نان وجود دارد. در بسیاری از این باورها، مردها نباید بر سر تنور پخت نان حاضر شوند. از این منظر، فقط زن‌ها محرم آب و گندم هستند.

نظارت دارند. به این ارتباط پیوسته البته باید انتساب این خوراکی نوروزی به وجود مقدس حضرت صدیقه اطهر^(س) را هم افزود. به ارتباط آب و گندم و زن و زمین توجه کنید. این ارتباط هنوز هم به بارزترین شکل ممکن در فرهنگ ما مردم، زنده است. همچنان‌که آب‌آوردن از چشمه و شستن رخت و لباس بر حاشیه‌ان کاری زنانه است، پخت نان هم با همه سختی‌هایش وظیفه‌ای زنانه است. به باورهایی سر بزیند که درباره پخت نان وجود دارد. در بسیاری از این باورها، مردها نباید بر سر تنور پخت نان حاضر شوند. از این منظر، فقط زن‌ها محرم آب و گندم هستند.

جرقه هیزم را می‌شوند و چشمان انبوه درختان سبز را می‌بیند. یا در کنار دریا نشسته‌ایم و چشمان تا دور دست‌ها شنی می‌کند و گوشمان به صدای امواج آب و پرندگان دریایی خو گرفته است. این بار بدنمان به لذت‌بردن از محیط طبیعی و حس آرامش در طبیعت واکنش نشان می‌دهد و باعث تغییرات مثبت می‌شود. بنابراین سیستم عصبی سمپاتیک ما نه‌تنها در زمان تهدید، بلکه وقتی به‌واسطه کارهایی که نیازمند انرژی زیاد است، همچون بازی والیبال، تنیس یا شنا در دریا و بالا رفتن از صخره به چالش کشیده می‌شود، واکنش نشان می‌دهد. این‌ها به‌جای اینکه تهدیدآمیز یا استرس‌زا باشد، برای سلامتی ذهنی و فیزیکی ما مفید است. ما می‌توانیم از این حالت‌آماده‌باش استفاده کنیم تا به موفقیت‌های بزرگی در زندگی و سفر دست پیدا کنیم یا برای چالش‌های بزرگ‌تر در زندگی آماده باشیم.

هست که در آن، زن، واسطه برکت‌خواهی زمین می‌شود. چنان‌که مثلاً در عمده آیین‌های طلب باران، زن‌ها و دخترها نقش محوری دارند، از «چمچه‌خاتون» تا «چولی‌قرک». یا در آیین‌های رفع خشکی، زنی را به عقد قنات خشکیده‌ای درمی‌آورند تا موجبات جاری‌شدن آب و برکت را در قنات فراهم کند. از همین منظر، در همه گستره خراسان‌زمین رسم بوده است و هست که نان به کمر عروس می‌بسته‌اند تا با خود، برکت را به خانه همسرش ببرد. نیز رسم بوده است که اگر وضع حمل زائو سخت شود، نانی‌روی شکمش بگذارند تا راحت‌فرزندش را به دنیا بیاورد.

خوراکی‌ها، هدیه‌هایی از مادر زمین محرمیت زن و گندم و آب و زمین، محدود به پخت نان یا طبخ سمنو نیست. از اساس در باور ما مردم، خوراکی‌ها هدیه‌ای است که از مادر زمین به ما می‌رسد. در فرهنگ ایران‌زمین، خوراک‌های پسندیده فقط آن چیزهایی می‌تواند باشد که یا از گندم فراهم شده باشد یا از دانه‌هایی که از زمین

می‌رویند. فراوانی و تعدد آتش‌ها و شله‌ها به‌ویژه در خراسان‌زمین به همین باور اساطیری برمی‌گردد. نیز هرجا ندزی زنانه است، حتماً خوراکی پخت می‌شود که از آرد گندم درست شده باشد و دانه‌هایی که از زمین می‌رویند. نه فقط نذرهایی زنانه که هرجای نذر به میان می‌آید، حتماً خوراکی از همین‌گونه‌ها هم پخت می‌شود. از اساس نذر کردن رفتاری آیینی است که عمدتاً با پخت خوراکی هم همراه است. خوراک‌های فراوانی را می‌توان فهرست کرد که از ارتباطی پیوسته با مراسم آیینی دارند. به‌عبارت دیگر هرجا مراسمی آیینی باشد، حتماً بنا به سنت، خوراک‌هایی از همین دست، پخت می‌شود؛ از «آش برای مسافر است، تا «آجیل مشکل‌گشا»، از «نان‌روغنی» شب‌های چراغ‌برات تا «شله مشهدی» و آیین‌های چهل‌وهشتم، از «رشته‌پلو» روز تحویل سال تا «قلقت‌آش» روز سبزه‌ده‌ر، از «کلچه زنجبیلی»‌های سفره عید تا «خلو»ی شب‌های جمعه.

خوراکی‌ها، هدیه‌هایی از مادر زمین محرمیت زن و گندم و آب و زمین، محدود به پخت نان یا طبخ سمنو نیست. از اساس در باور ما مردم، خوراکی‌ها هدیه‌ای است که از مادر زمین به ما می‌رسد. در فرهنگ ایران‌زمین، خوراک‌های پسندیده فقط آن چیزهایی می‌تواند باشد که یا از گندم فراهم شده باشد یا از دانه‌هایی که از زمین

آب و گندم، زن و زمین

نظارت دارند. به این ارتباط پیوسته البته باید انتساب این خوراکی نوروزی به وجود مقدس حضرت صدیقه اطهر^(س) را هم افزود. به ارتباط آب و گندم و زن و زمین توجه کنید. این ارتباط هنوز هم به بارزترین شکل ممکن در فرهنگ ما مردم، زنده است. همچنان‌که آب‌آوردن از چشمه و شستن رخت و لباس بر حاشیه‌ان کاری زنانه است، پخت نان هم با همه سختی‌هایش وظیفه‌ای زنانه است. به باورهایی سر بزیند که درباره پخت نان وجود دارد. در بسیاری از این باورها، مردها نباید بر سر تنور پخت نان حاضر شوند. از این منظر، فقط زن‌ها محرم آب و گندم هستند.

به باورهایی سر بزیند که درباره پخت نان وجود دارد. در بسیاری از این باورها، مردها نباید بر سر تنور پخت نان حاضر شوند. از این منظر، فقط زن‌ها محرم آب و گندم هستند.

جرقه هیزم را می‌شوند و چشمان انبوه درختان سبز را می‌بیند. یا در کنار دریا نشسته‌ایم و چشمان تا دور دست‌ها شنی می‌کند و گوشمان به صدای امواج آب و پرندگان دریایی خو گرفته است. این بار بدنمان به لذت‌بردن از محیط طبیعی و حس آرامش در طبیعت واکنش نشان می‌دهد و باعث تغییرات مثبت می‌شود. بنابراین سیستم عصبی سمپاتیک ما نه‌تنها در زمان تهدید، بلکه وقتی به‌واسطه کارهایی که نیازمند انرژی زیاد است، همچون بازی والیبال، تنیس یا شنا در دریا و بالا رفتن از صخره به چالش کشیده می‌شود، واکنش نشان می‌دهد. این‌ها به‌جای اینکه تهدیدآمیز یا استرس‌زا باشد، برای سلامتی ذهنی و فیزیکی ما مفید است. ما می‌توانیم از این حالت‌آماده‌باش استفاده کنیم تا به موفقیت‌های بزرگی در زندگی و سفر دست پیدا کنیم یا برای چالش‌های بزرگ‌تر در زندگی آماده باشیم.

خروجی که سبب ورود به دنیای سفر شد



مرحان جاودانی ما همواره نیازمند خروج هستیم، از افکار منفی، خروج از روزمرگی، خروج از درگیری‌های کاری، خروج از شهر و دیار برای سفر و دیدن زیبایی‌های دنیا، اما در شرایط فعلی که دنیا با تجربه جدیدی برای مبارزه با ویروس کرونا روبه‌روست، به‌جای خروج از شهرمان به قصد سفر، دیدن فیلم «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا را به شما پیشنهاد می‌کنیم.

- سفر، خروجی فیلم «خروج»

فیلم خروج براساس یک روایت واقعی شکل گرفته، در حقیقت داستان خروج مربوط به یک سفر دسته‌جمعی است که بیشتر حرکت دوربین به جاده و مسیر سفر معطوف می‌شود. در بین فیلم‌های گردشگری، خروج دارای امتیازی ویژه است، زیرا سفر و جاده مهم‌ترین و بیشترین قسمت فیلم را به خود اختصاص داده و دوربین حاتمی‌کیا و تیمش دائم درحال ماجراجویی در مسیر سفر است و منظره‌های زیادی در دل این فیلم وجود دارد که مخاطب می‌تواند از آن لذت ببرد.

فرامرز قربیبان که در فیلم خروج نقش رحمت را بازی می‌کند، اصلی‌ترین وزن‌ه فیلم را به دوش می‌کشد. او یک سرباز جنگ بوده که سال‌ها جنگیده اما وقتی به دیارش برگشته است، مردم او را از خود رانده‌اند. مردم فکر می‌کنند چون او بعد از جنگ زنده مانده، پس مقصر ریخته‌شدن خون فرزندان‌شان است. رحمت همواره از این تفکر اهالی رنج می‌برد و خودش را مدیون آن‌ها می‌داند. حتی در روز مهم فیلم که جنازه فرزندش را برایش آورده‌اند، فکر می‌کند حتی به گردن اوست که باید ادا کند. او به‌دنبال جبران آن چیزی است که در ذهن هم‌ولایتی‌هایش نقش بسته است. ویژگی بارز رحمت، حق‌طلبی است. هیچ چیزی مانع او برای رسیدن به حقش نمی‌شود، نه پلیس، نه فرماندار، نه فضای مجازی و نه نماینده رئیس‌جمهور. او قصد کرده است با شخص رئیس‌جمهور دیدار و مشکل را از ریشه حل کند.

- تراکتورهایی هم سفر عرق

خروج رحمت با کاروانی از تراکتورها و کشاورزان منطقه، از ویژه‌ترین تصویرهای فیلم است و جالب آنکه در انتهای فیلم تصویر تراکتورسواران داستان واقعی این روایت نیز برای مخاطب پخش می‌شود تا او را متحیر کند. فیلم‌برداری خروج از شهر دزفول شروع می‌شود و در دیگر شهرها ادامه دارد، کاروان تراکتورسواران به مقصد تهران حرکت می‌کند و با اتفاقی فریکارانه از سوی اطرافیان رئیس‌جمهور، مجبور به توقف در شهر قم و زیارت حرم حضرت معصومه^(س) می‌شود. دومین ویژگی فیلم خروج، همین خروج از مرز شهر تهران و شهرهای شمال ایران است که بیشتر فیلم‌ها به آن وابسته‌اند، اما خروج با خروجش از کلیشه‌ها بیش از فیلم‌های دیگر، خود را مطرح کرده است. حضور در مناطق واقعی روایت داستان به فیلم اصالت می‌دهد و جایگاه فیلم با پخش‌شدن تصویر شترها، مزارع پنبه و مناظر جاده‌های بین‌راهی در ذهن مخاطب به یک جایگاه ویژه بدل می‌شود.

- ناز پنبه‌ها و ساز رئیس‌جمهور

یکی از دل‌رباترین سکانس‌های مربوط به مزارع پنبه، در ابتدای فیلم است. زمانی که با لگرد دولت به دلیل نقض فنی در زمین پنبه «رحمت»، که کشاورزی ساده است، فرد می‌آید، تصویری که در ابتدا بارش برف را به ذهن مخاطب می‌آورد و پس از دقیقه‌هایی با نشان دادن مزرعه پنبه، تازه گشت پنبه‌بارن بر مخاطب معلوم می‌شود. جمله فرامرز قربیبان که می‌گوید «پنبه ناز دارد»، آغاز فیلم است و رئیس‌جمهوری که ناز یک مزرعه را می‌خرد تا ادامه روند فیلم با این ساز جدید اتفاق بیفتد.

- رحمت در زحمت

نکنه جالب فیلم خروج، زحمتی است که رحمت و تیمش برای سفر متحمل می‌شوند. در حقیقت رنج سفر در این ماجرا چیزی است که بیشتر از همیشه به چشم گردشگران می‌آید، اما نکته اینجااست که این سفر یک حرکت نمادین است و چون برای گروهی که باهم هم‌سفر شده‌اند هدفی به دنبال دارد، در پس همه سختی‌ها نوعی اراده قوی وجود دارد که کسی را مردد نمی‌کند. خروج هرچقدر برای کارگردان و اهالی فرهنگ فیلمی اعتراضی باشد، برای گردشگران فیلمی آموزنده است.

- برقراری عدل در عدل‌آباد

فیلم خروج در روستای عدل‌آباد از توابع شوشتر تصویربرداری شده است. شوشتر از زیباترین جاذبه‌های گردشگری ایران به شمار می‌آید که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است. سازه‌های آبی شوشتر که ثبت جهانی هم شده است، از مهم‌ترین آثار باستانی ایران است که هر گردشگری را به خود جذب می‌کند. اما روستای عدل‌آباد اگرچه با فیلم خروج سر زبان‌ها افتاد و یکی از مقاصد گردشگران سینمایی شد، باید گفت که پیش از روایت این داستان، آوازه کم‌آبی، این روستا را بر سر زبان‌ها انداخته بود. امیدواریم که بعد از رفع خطر بیماری کرونا با حضور گردشگران در این منطقه کشور، مسئولان نیز امکانات بیشتری را به آن اختصاص دهند.

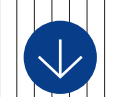


شهر خراسان

روزنامه شهرامیدوزنگی

اشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۶ ۱۰ رجب ۱۴۳۸ شماره ۳۳۹۶

SHAHRAANNEWS.IR



خراسانیات

عکس: تهران

فیلم گزلی